

معماری از دیدگاه فقه و حقوق با تاکید بر معماری مسجد

حامد متوسل
دانشجوی دکتری معماری
Projects_ctrl@yahoo.com



چکیده

هنر طراحی و معماری مساجد در سرزمین ایران سابقه ای بیش از ۱۲۰۰ سال دارد که نمونه‌های فاخر این مساجد در ایران زبانزد خاص و عام می‌باشد و بی‌شک معماری اسلامی در مقطع خاصی مدیون معماری ایرانی اسلامی است. در عصر مدرنیته نه تنها نباید از کارکردهای مسجد کاسته شود بلکه بر اساس آن باید بر مؤثرتر شدن کارکردها تأکیدی همه‌جانبه داشت. در این عصر برخوردار از دانش و آگاهی‌ها بیشتر می‌شود که ثمره آن ایمانی قوی‌تر است. بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسجد به عنوان مرکزی برای انجام فعالیت‌های مختلف اعم از عبادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره دارای نقش کاملاً مؤثری در پیشبرد اهداف دین مبین اسلام بوده است.

مساجدی تنها با الگوگیری، اقتباس پذیری و حتی تقلید، صرفاً از این آثار قدیمی ساخته شدند و با آن که این مساجد دارای بار معنایی، که هویت‌گرا به شمار می‌رود هستند اما هویت، اصول عملکردی و کالبدی دوران معاصر خود را منتقل نمی‌کنند. مقاله حاضر براساس مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و مدارک، مصاحبه با اساتید، صاحب‌نظران و مسئولان بصورت کتبی و شفاهی انجام شده است. این مقاله از نوع کاربردی-نظری می‌باشد که به طور کلی از دو بخش عمده مطالعات و طراحی تشکیل شده است.

واژگان کلیدی: مسجد، طراحی، عملکرد، معماری، فقه و حقوق



مقدمه

مسجد موضوعی است که مسلمانان از منظرهای گوناگون، در گذر زمان به آن توجه کرده‌اند. معماران بزرگ سعی کرده‌اند بناهای ماندگاری در تاریخ اسلام از خود به جا بگذارند. از حیث تحولات اجتماعی می‌توان گفت هیچ حرکت و تحولی را در سرزمین‌های اسلامی نمی‌توان یافت که مسجد در آن نقش نداشته باشد. وجه تسمیه مسجد این است که سر به سجده نهادن مظهر اوج فروتنی و کرنش آدمی در برابر خداوند است. آیات متعدد قرآن و روایات به انضمام فقه و حقوق به روشنی اهمیت و ارزش ویژه مسجد در جامعه را نشان می‌دهند، به گونه‌ای که هیچ کانون و مرکزی نمی‌تواند هم‌تا یا جایگزین آن باشد. آثار و کارکردهای گوناگون مسجد از نگاه قرآن روشن و اثبات پذیر است. اگرچه مسجد در نقش اول خود مکانی برای پرستش معبود یگانه و برپایی نماز جماعت به عنوان اولی‌ترین نوع عبادت در نظر گرفته می‌شود ولی این نقش در واقع چون تنه‌ای است که با رویش خود منجر به جوانه زدن شاخه‌های متعددی شده که از هر کدام میوه‌های مختلفی برای جامعه اسلامی به ارمغان آورده می‌شود. در جامعه مدرن باید برای مسجد کارکردهای جدیدی تعریف کرد. در حالی که نه تنها کارکردهای مسجد در جامعه مدرن، عوض نمی‌شود بلکه بالعکس کارکردها دارای عمل و گستره بیشتری می‌شوند.

کارکردهای مختلف آموزشی، فرهنگی، ارتباطی، سیاسی و اجتماعی که مسجد محله را علاوه بر ویژگی‌های کمی، کیفی و اصول معماری و شهرسازی به عنصری قدرتمند و بسیار گویا در تعریف و تجسم خاص فضایی محله و فرهنگ رفتاری ساکنین آن و حفاظت از آنان به عنوان مرکز اداری ساختار عبادی، فکری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محله را نشان می‌دهد.

تعاریف

مسجد:

واژه مسجد به معنی سجده‌گاه، مکان سجده و به تعبیر عام، عبادتگاه می‌باشد. «مسجد اسم عرفی است و در آن معنی لغوی به کار رفته است.» در اسلام و قرآن، عبادتگاه ملل سابق نیز به مسجد نامبرده شده است.

محلّه

تعریف لغوی: محلّه، قسمتی از شهر، محل فرود آمدن، کوی و برزن و در اصطلاح، محلّه، به خردترین واحد شهر که دارای ویژگی، پیوستگی و همبستگی خاصی باشد خطاب می‌شود.

مروری بر معماری مساجد

از دیدگاه ادیان الهی، عبادت و اظهار بندگی و خضوع در برابر آفریدگار هستی اهمیت ویژه ای دارد و بر این اساس، مکان عبادت از جایگاه والایی برخوردار است. با استفاده از متون اسلامی می‌توان استنتاج کرد که چنانچه مساجد با استمداد از دیدگاه‌های اسلام طراحی و ساخته و استفاده شود دستیابی به سلامت جسمی و روانی مورد نظر مکتب اسلام نیز تسهیل می‌شود. در واقع بهره‌گیری از دستورهای جامع نگر و انسان ساز اسلام زمینه ساز اعتلای نقش مساجد در تأمین سلامت جسم و روح انسان هاست. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

بی‌شک معماری اسلامی در مقطع خاصی مدیون معماری ایرانی اسلامی یا معماری شیعه است. تأثیرپذیری بسیاری از بناهای عظیم جهان اسلام مانند مسجد الحرام از هنر معماری شیعی در ساخت مسجد نشان دهنده عمق بالای تأثیر گذاری این حوزه در هنر جهان اسلام

است. اما امروزه دسته‌ای از مساجد کشورمان مساجدی هستند که به صورت مستقیم از الگوها و فرم‌های سنتی تاثیر گرفته‌اند و شاید در نظر یک بیننده عادی ابتدا این مساجد کاملاً سنتی نیز به نظر برسند اما نکته اصلی این که چنین مساجدی تنها با الگوگیری اقتباس پذیری و حتی تقلید صرفاً از این آثار قدیمی ساخته شدند و با آن که این مساجد دارای بار معنایی که هویت گرا به شمار می‌رود هستند اما هویت دوران معاصر خود را منتقل نمی‌کنند. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) در گذشته، مساجد با محله و مردم و خانه‌های اطراف ارتباط نزدیک و زیبایی داشت. اما امروزه این کارکرد در مساجد دیده نمی‌شود؛ یعنی هر جا واقفی پیدا شود مسجد ساخته می‌شود. دور از مردم و محیط اجتماعی یا داخل جامعه! با اشاره به شیوه معماری مساجد امروزی متأسفانه آن معماری منسجم و آرام بخش اسلامی در این مساجد دیده نمی‌شود و همانطور که آدم‌ها دچار تغییر شدند این دگرگونی به مساجد هموار شده و به سبک من درآوردی رسیده است. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) ما دارای بهترین مساجد تاریخی دنیای اسلامی هستیم که این مساجد با مرکز شهرهای تاریخی و خودشان در ارتباطند و بسیاری از خدمات شهری را از این مساجد می‌گرفتند و هنوز هم این کاربرد ادامه دارد. اما دولت‌ها روی این سرمایه ویژه سرمایه‌گذاری نکردند و به جای ساماندهی اطراف این مساجد تاریخی، موقعیت این اماکن را هم تضعیف کردند. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) مساجد در گذشته کارکردهای بسیاری داشتند که امروز از یاد رفته‌اند. مسجد یعنی مرکز فعال شهر اسلامی. در شهرهای اسلامی اول مسجد ساخته می‌شد و سپس شهر به وجود می‌آمد. در این شرایط مساجد هزاران کارکرد داشتند. اما امروز عده‌ای مساجد را حاشیه‌ای می‌دانند و اعلام کرده‌اند مسجد به چه دردی می‌خورد؟ هر کس می‌خواهد مسجد بسازد خودش دست به کار شود. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) بنای عمل پیامبر(ص)

بر رعایت سادگی و بی‌پیرایگی در مسجد با توجه به مصالح و محاسنی است که در این کار نهفته است و آراستن مساجد با تزیینات که در کاخ‌های پادشاهان و اهل دنیا متداول است منافای ارزش‌های اسلامی است. از دیگر آثار مثبت «ساده سازی مساجد» آن است که چنانچه این امر به عنوان یک سنت اسلامی همان‌گونه که در میان مسلمانان صدر اسلام موفق بوده، رایج شود همگان حتی مردم محروم روستاهای دورافتاده نیز قادر خواهند بود با امکانات کمی که در اختیار دارند مسجدی را بنا کنند و بار مسئولیت ترویج و تبیین این سنت اسلامی بر دوش روحانیون و علماست. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) در معماری مساجد باید تنوع شرایط اقلیمی و جغرافیایی و انطباق بنا با آن مد نظر باشد تا در معرض تخریب و عوارض ناشی از ناسازگاری با وضعیت اقلیمی و جغرافیایی کمتر واقع شوند و به طور شایسته تری استفاده شوند. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) در کتاب‌های فقهی بلند ساختن دیوارهای مسجد و کنگره‌ای ساختن آن مکروه شمرده است. در مورد چند طبقه ساختن مساجد نیز این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که چنانچه هدف از ساختن طبقات فوقانی، اقامه نماز جماعت در آن‌ها باشد بایستی فاصله آن طبقات تا امام جماعت بیش از حد متعارف نباشد. در غیر این صورت نماز جماعت کسانی که در طبقه فوقانی به امام جماعت اقتدا کنند بر اساس نظر برخی از فقها دچار اشکال خواهد شد. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

معماری اسلامی

آداب و رسوم و ضوابط معماری چگونه تعیین می‌شود؟ شارع مقدس اگر قالب معماری می‌داد، جلوی تکامل را می‌گرفت. محتوای آثار معماری کشور های اسلامی با معماری اسلامی یا آنچه که قبلاً در مورد معماری قدیم آمده است، فرق دارد. اگر معماری اثری را ارائه دهد که در آن ایده‌های غیر اسلامی خود یا دیگران را به کار گرفته باشد؛ دیگر آن اثر

معماری، معماری اسلامی نیست؛ بلکه معماری‌ای است با ایده‌های متفاوت یا حتی معماری من درآوردی. پس چگونه می‌توان اثری را با معماری اسلامی به وجود آورد یا چگونه می‌توان آن را که کمتر اسلامی است، بیشتر اسلامی نمود؟ فراموش نشود وقتی که صحبت از کلمه اسلامی به میان می‌آید، در مقابل آن، کلمه غیر اسلامی هم وجود دارد. لذا این سؤال مطرح می‌شود: معماری اسلامی چیست؟ چه چیزی باعث اسلامی شدن یک اثر معماری می‌شود؟

معماری اسلامی تا معماری مکروه

از احادیث نبوی (ص) چنین بر می‌آید که او نزدیکان خود را به زندگی در ساختمان‌ها تشویق نمی‌نمود و حتی این ممنوعیت‌ها در قرآن نیز پیداست. آثار معماری را می‌توان به لحاظ اسلامی بودن در سه گروه دسته‌بندی نمود: معماری اسلامی، معماری مکروه (یا قابل سرزنش) و معماری غیر اسلامی. معماری غیر اسلامی آن است که با آنچه در شریعت بدان اشاره شده مغایرت داشته باشد که نمونه‌های بسیاری را می‌توان در ساختمان‌های موجود مشاهده نمود؛ به عنوان مثال، ساختمان‌هایی که مشرف بر منازل مسلمین است. معماری سزاوار سرزنش، همان‌طوری که توسط پیغمبر اکرم (ص) سفارش شده، من جمله پرهیز از زینت مساجد و زیاده‌روی در اتلاف ثروت مسلمین است، (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲).

معماری اسلامی، اثری است که ارتباط قلبی انسان را در پرستش خدای قادر تبارک و تعالی برقرار می‌سازد. حقیقت آن است که اسلام در آغاز طلوع خود، جز اصول اخلاقی، چیز دیگری همراه نداشته و در مراحل اولیه‌اش به لحاظ ایجاد و یا الهام یک هنر جدید، از مسیحیت هم ضعیف‌تر بوده است. از طرفی می‌دانیم هنر هرگز از هیچ برنمی‌خیزد و اصالت

آن، داشتن ریشه در آثار گذشته است؛ به قول معروف تا ریشه در آب است، امید ثمری هست. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲) آندره گدار معمار فرانسوی و مؤلف سه جلد کتاب آثار ایران می‌نویسد: تفاوت در ساختمان‌های قبل از اسلام با ساختمان‌های بعد از اسلام، نه در ساختمان و نه در شکل آن و نه حتی در طرح نقشه آن‌ها است؛ بلکه در منظر و لباسی است که اسلام بر اندام ساختمان‌های دوره ساسانی پوشانده و خواسته است مفهومی به آن‌ها بدهد که معماری ایرانی با معماری مردمی که تحت رژیم اسلامی زندگی می‌کنند به وضوح متمایز باشد. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

این‌که می‌گوییم معماری رنگ و بوی اسلامی پیدا کند، یعنی چه؟ چون اسلام جهان شمول است و برای همه ملل ظهور نموده، چنین به نظر می‌رسد که در مرحله نخست، معماران باید ساختمانی بسازند که در آن سه نکته اساسی در نظر باشد؛ اول، توجه به عملکرد صحیح بنا؛ چرا که ساخت و ساز بنا برای تفنن نیست. آنچه لازم است باید ساخته شود و این ملازمت توجه دقیق به عملکرد درست بنا است؛ دوم، باید بدانند در کجا و در چه مکانی می‌سازند. توجه به پارامتر زمانی و مکانی، لازمه انجام کار درست است؛ سوم، اینکه در اجرای این اثر، یک پیام فرهنگی هم داشته باشد؛ چرا که هدف اسلام ایجاد محیطی برای تکامل انسان است که بتواند به سوی کمال صعود کند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

یک معمار مسلمان می‌داند خداوند متعال صاحب جلال و اکرام بوده و در عین حال جمیل است و جمال را دوست دارد. همچنین اعتقاد دارد هدف از زندگی دنیوی، رجعت به سوی خداوند و رسیدن به کمال است. پس اثر معماری خود را بر سه پایه جمال، جلال و کمال بنا و استوار می‌کند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

آنچه در نقوش و تزئین بنای اسلامی جلوه‌گر است، جمال خوانده می‌شود و به آنچه به ابعاد و کشش سطوح و به کمپوزیسیون احجام توجه دارد، جلال اطلاق می‌شود. همچنین اگر این شیوه از معماری در جهت محتوای معنوی و تلفیق با مبانی اسلامی و در قالب کبریایی باشد، به آن کمال گویند. بدیهی است با وجود جمال و جلال، کمال هم به وجود می‌آید. به قول غزالی، ساختمان زیبا جمال باطن سازنده آن را هویدا می‌سازد و نماینده معنوی و معرفت حق است. ابن مرزوق نیز معتقد است که ابنیه و مساجد ایرانی، جلالت اسلام را آشکار می‌کند، چنانچه در مرمت و تعمیر آن‌ها قصوری روی دهد، در روز قیامت عندالله مسئول خواهند بود. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲) سیدحسین نصر می‌نویسد: معماری مسجد از روی قرآن سرچشمه می‌گیرد. هر چند در برخی متون دیده می‌شود معماری را مسلمین از منابع ساسانی و نظیر آن اقتباس کرده‌اند، ولی شکل بیرونی مسجد به صورت رمزی تجلی اسماء و صفات خداوند است؛ به این نحو که گنبد جلوه‌گر جمال الهی است و مناره‌ها نشانه جلال و در مجموع، کبریایی او، یعنی کمال را نشان می‌دهند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

«اریک اشرودر» مستشرق انگلیسی که سال‌ها در معماری اسلامی کار نموده و در این زمینه کتاب هم دارد، می‌نویسد: یکی از رموز پایداری اصول دین اسلام در ایران، ساخت مساجد آن‌ها است که با گذشت قرن‌ها این مساجد با ساخت عناصری نظیر گلدسته‌ها و گنبد و سردرها و صحن آب‌نما و هشتی و شبستان که با رعایت جوهره اصلی‌شان به صورت‌های مختلف ولی تکرار اندر تکرار در ساخت و سازها حفظ کرده‌اند، می‌باشد. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

اصول معماری اسلامی

با توجه به جمیع جهات و توجه به آنچه تاکنون بر معماری اسلامی گذشته و آنچه که شارع بدان نظر دارد، می‌توان این نوع معماری را با اعمال هفت اصل تبیین شده ذیل به وجود آورد. این اصول در همه جا به صورت کم و زیاد اعمال شده، به طوری که اعمال این اصول ضمن نگرش به هنر مردمان سرزمین‌های اسلامی، مکتب‌های رایج پنج گانه متداول دنیای اسلام را به وجود آورده و به صورت محدودتری شیوه‌های معماری را در هر ناحیه‌ای معمول داشته‌اند. این اصول عبارتند از: توحید، اخلاص، علم، حیا و حجاب، عبادت و احترام، اقتصاد و ذکر. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

توحید: یکی گفتن به زبان، یکی دانستن، یکی دیدن، یکی شدن وجود خدا؛ یعنی کمال هنر. اعتقاد به خدای واحد و مورد پرستش همه ملل، این یگانگی را به وجود آورده که در مجموعه شهرهای اسلامی دنیا و در همه جا این وحدت دیده می‌شود؛ در شهرهای اسلامی به لحاظ داشتن نشانه‌های اسلامی نظیر مساجد، اماکن مقدسه و مذهبی، بازارها، میادین و در بین مردم، به کارگیری زبان عربی به مثابه زبان اول و یا زبان دوم و کتابت آن در همه نقاط. این وحدت ناشی از یک فرهنگ و نشأت گرفته از یک کتاب آسمانی است و این فرهنگ، خصوصاً در معماری مؤثر بوده است؛ مثل رعایت جهت قبله یعنی در یک شهر اسلامی، وحدت سمت و سو را به وجود می‌آورد. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

این یگانگی را دور از عادات مختلف مردمانی اعم از سیاه و سفید، زرد و سرخ و حتی وجود شرایط علمی و افکار متفاوت، جدا از مکاتب مختلف معماری و شیوه‌های آن‌ها که در جهت و وحدت قدم برداشته‌اند، می‌بینیم. مساجد همه ملل، دارای صحن، عُرفات،

حجره‌ها و شبستان رو به مرکز، یک میانسرا که در مرکز این میانسرا آب پاک و مطهر وجود دارد و قد برافراشته، گلدسته‌ها و مناره و گنبدها را در همه جا می‌بینیم که همه و همه در جهت وحدت هستند. این وحدت را حتی در هنرهای مستظرفه، نظیر کارهای گره و رسمی بندی‌ها و مقرنس نیز احساس می‌کنیم که همه به یک جهت و یک مرکز ختم می‌شوند. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

همچنان که همه در هر کجای دنیا که باشند به سوی یک قبله تعظیم و احکام الهی را اجرا می‌کنند و مساجد قبرستان‌ها و شهرهای خود را در این جهت می‌سازند و با این همه کثرت، در آن وحدت دارند. این وحدت و یگانگی در هنر هم دیده می‌شود؛ یکی بودن در مبانی معماری در هنر اسلامی، وجود خدای یگانه و کتاب آسمانی‌اش که در جای جای این کتاب حکمت، وحدت را بیان نموده است. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

حکمت یعنی بیان اسرار هارمونی؛ یعنی برای نواختن آهنگ یگانگی، باید همه این هارمونی‌ها را شناخت و به کار برد. اصل مسلمانی یعنی تسلیم به هارمونی، تسلیم به تناسب که زیبایی را به وجود می‌آورد و زیبایی، ما را مسلمان می‌کند. خلاقیت یعنی کشف هارمونی‌ها، کشف تناسب در یک اثر هنری. بنابراین نبود تناسب و هارمونی یعنی عدم خلاقیت. نظام عالم از واحد به کثیر و از کثیر به واحد است. عوامل وحدت‌بخشی از کثرت، شناخت تقارن، توازن، تعادل، تناسب و ... هستند. این عوامل و این هارمونی‌ها رد پای وحدت‌اند که می‌توان تحت عناوین ذیل این عوامل را دسته‌بندی نمود:

۱. تقارن: وحدت در محوریت با مرکزیت؛

۲. تناسب: وحدت در ابعاد و اندازه‌ها؛

۳. توازن: وحدت در هارمونی‌ها؛

۴. تعادل: ایجاد وحدت در حجم‌ها و وزن‌ها؛

۵. توافق: وحدت در عمل و فکر و در انتخاب عملکرد معماری؛

۶. تطابق: ایجاد وحدت با طبیعت و ساختمان؛

۷. تشابه: همان وحدت در شکل است؛

۸. تجانس: وحدت در جنس و صفت است؛

۹. تناظر: وحدت در دید است؛

۱۰. تساوی: در همه چیز.

شناخت و به کار بستن این هارمونی‌ها، یک اثر هنری را به هنر اسلامی، به ویژه در معماری نزدیک می‌کند. هنر معماری، خود عرصه مناسبی برای نشان دادن عوامل فوق است، زیرا معماری، خود بر اصول هندسی استوار است. به همین دلیل ایدئولوژی هنر اسلامی هندسه است که تغییر نمی‌کند، ولی در هر زمان و مکانی هنری بر این مبنا عرضه می‌شود. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

اخلاص: ساختمان‌های مسکونی همه بدون پیرایه‌اند. خلوص فقط باید برای خدا باشد. باید از هر چه زشتی و پلیدی است، دور باشد. همه چیز باید زیبا باشد: ان الله جمیل و یحب الجمال. در روند احداث ساختمان‌های عمومی، آنچه هنرمندان دارند در طبق اخلاص تقدیم می‌کنند. اکثر اماکن وقفی‌اند؛ ساده و بی‌پیرایه و دور از اسراف. در اماکن باید همه چیز پاک،

بی‌پیرایه و خالص باشد. آب را که نشانه پاکی است، در جای جای بنا به کار می‌برند. نور را در همه ساختمان گردش می‌دهند. نور نشانه خلوص و پاکی است. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

هر چه که می‌سازند به سوی آسمان نشانه دارد و همه چیز متعلق به اوست و در نهایت اخلاص قرار دارد. همه اماکن اشاره به آسمان دارند؛ گنبدها، دور قوس‌ها، تیزی بالای درب‌ها و پنجره‌ها همه نوک تیزاند و همه به آسمان اشاره دارند؛ حتی به هم دروغ نمی‌گویند. آنچه هست واقعیت دارد و از ساخت دکور درها و پنجره‌های کاذب خودداری می‌شود. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

از ساختن هر چیزی که در آن نشانه‌ای از ریا یا نشانه‌ای از اخلاص در پیشگاه خداوندی نداشته باشد، پرهیز می‌کند. دروغ در معماری اسلامی جایی ندارد؛ حتی در بنا کردن احجام معماری، مصالحی که در آن به کار رفته، رابطه دارند. این نکته به ویژه در نیارش بنا دیده می‌شود. مصالح انتخاب شده و فرم‌های انتخابی باید خود ایستا باشند، نه اینکه با توسل به ترفندهایی این نیارش را تأمین کنند. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸) در جریان ساخت کلیسای عظیم «سن بیرو» در رم، وقتی «میکل آنژ» گنبد عظیم کلیسا را که با عرض ۴۲ متر و ارتفاع ۱۴۰ متر برافراشت، بیشتر بر زیبایی و عظمت آن توجه نمود و هنوز چند سالی از افتتاح آن نگذشته که گنبد در حال فروریختن بود. به ناچار پاپ مجبور شد با فراخوانی از صنعتگران کشور چاره‌اندیشی کند و با اجرای کمربندی فلزی به دور گنبد، از انهدام آن جلوگیری نماید؛ یعنی اینکه گنبد خود ایستا نبود، بلکه با بستن کمربند اضافی، ایستایی آن را تأمین کردند؛ امری که به هیچ وجه در تاریخ معماری ایرانی اسلامی تاکنون اتفاق نیفتاده است. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

آنچه در اجرای عملی اخلاص باشد، بالطبع زیبایی نیز به وجود خواهد آمد. زیبایی به معنای قشنگی و جمال نیست؛ بلکه معنی آن زیندگی، پذیرفتنی، دل خواستن، به سامان بودن و به تناسب بودن است. منبع زیبایی خدا است. زیبایی مقیاس ندارد؛ همچون آسمان که با داشتن زیبایی باشکوه خود، بدون مقیاس است و ابعاد طلایی هم ندارد. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

علم: علم در سایه دوران حکومت‌های اسلامی، به ویژه قرون چهارم و پنجم هجری پیشرفتی بسزا و درخشانی داشته است و مسلمانان در همه زمینه های علمی صاحب نظر بوده‌اند؛ چه در علم و فنون فیزیک و شیمی و ریاضیات و چه در زمینه علوم و معرفت اسلامی. لذا آن‌ها از دانسته‌های علمی و از معرفت اسلامی، یعنی از هر دو علم، استفاده کرده‌اند؛ به ویژه از هندسه که ایدئولوژی معماری است و بر مبنای آن در هر زمان و هر مکانی اثری نو ارائه می‌شود، نهایت استفاده را نموده‌اند. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

استفاده از ریاضیات در معماری اسلامی جزء اساسی‌ترین کار آنان است؛ چه در سطوح و احجام بنا و چه در ریزترین نقوش تزئینی نظیر گره‌ها، اسلیمی‌ها و...؛ همه و همه در عین حال از معرفت دینی هم بهره برده و تمام این دانسته‌ها را بر در و دیوار کتابت کرده‌اند. کتیبه‌هایی را در مساجد، اماکن عمومی و حتی در خانه‌ها اجرا کرده‌اند که سازنده فرهنگ‌اند؛ به طوری که بیشترین تزئین اصلی این بناها با استفاده از این کتیبه‌هاست. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

در محاسبه نیارش بناها و در تزئین آن‌ها، در خوشنویسی و کتابت و حتی در زمینه نگارگری و موسیقی نیز مسئله هندسه مطرح است. در احداث بنا، ابتدا پیش از هر چیز به پیمون بنا

که در غرب به آن مدول گویند، توجه داشته‌اند. کلمه پیمون معادل مدول است که در زبان‌های خارجی مصطلح است و آن بدین معناست که با داشتن ضوابطی، حتی یک بنای معمولی روستایی در روستای دور افتاده‌ای در کرمان می‌توانست یک گنبد با دهانه ۱۰ متر را به گونه‌ای بسازد که بزرگ‌ترین معمار در پایتخت می‌ساخته است. (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ۱۳۷۸)

حیا یا حجاب

اسلام برای حفظ و رعایت حجاب توصیه اکید نموده است. لذا لزوماً ساختمان‌های اسلامی هم بایستی دارای حجاب باشند. آن‌ها برای ایجاد حجاب، به ویژه ساختمان‌هایی که مصرف شخصی داشته‌اند را درون گرا می‌ساختند، ولی ساختمان‌های اماکن عمومی نظیر کوشک‌ها را برون گرا بنا می‌کردند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

برای درون‌گرایی ساختمان، اتاق‌ها را در اطراف میان‌سرا می‌ساختند و اگر ساختمان بزرگ‌تری می‌خواستند به دو بخش اندورنی و بیرونی طراحی و اجرا می‌نمودند؛ زیرا یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس آنان بود که این امر به گونه‌ای معماری را درون‌گرا کرده است. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲) زیرا محل زندگی، همچون قفس بازی نیست که در معرض دید و نمایش مردم قرار گیرد. سعی می‌شد بناها اشرافی به یکدیگر نداشته باشند و حتی از بیرون طوری باشد که به یکدیگر فخر نفروشدند. مسلمان ایرانی هم مثل عرفا به درون بیشتر از بیرون توجه داشته‌اند و این مهم، خود مسئله‌ای است که جنبه مذهبی دارد. انسان باید در خانه یا محل کارش آرامش داشته باشد. بعضی‌ها تصور می‌کنند پس از آمدن

اسلام به ایران، مسئله حجاب پیش می‌آید؛ در حالی که چنین نیست. زیرا حجاب پیش از اسلام هم در ایران بوده و حجاب زرتشتی‌ها خیلی مفصل‌تر است؛ مثلاً در مورد زن‌های هخامنشی، کلمه پردگی وجود داشته که بیانگر همه چیز است. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

اصولاً انسان میل دارد پوشیده باشد و بیشتر این اصل از حالت شرقی بودن مردمان این مرز و بوم نشأت گرفته است. انسان در اثر رعایت حجاب، وقتی به مجموعه شهرها و ابنیه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و به حجاب اعتقاد دارند نگاه می‌کند، این اعتقاد را در خود کالبد شهر هم ملاحظه می‌نماید؛ مثلاً اگر کوچه‌های یزد و کاشان را ببینید، هر کدام از این خانه‌ها به مثابه یک انسان خودش را در حجابی پوشانده‌اند. مثل مردان که خود را در عبا و لباده و زن‌ها خودشان را در چادر می‌پوشانند. وقتی وارد بنا می‌شویم، آنگاه آن زیبایی‌ها جلوه‌گر می‌شود. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

اقتصاد

در قرآن کریم آمده است خداوند مسرفین را دوست ندارد. رعایت اقتصاد، یک اصل اسلامی است. معماری اسلامی به گونه‌ای است که در ساخت ساختمان‌ها نهایت صرفه‌جویی می‌شود. پرهیز از اسراف یعنی هر چیزی را به جای خود به کارگیرند؛ هر مصالحی را در جای مناسب خود و به حد نیاز مصرف کنند و این عین عدالت است. اینکه می‌گوییم هر چیز به جای خود، فقط در مورد مصالح مصرفی بنا نیست، بلکه این پرهیز از اسراف چه برای مصرف نوع مصالح، چه احداث فضاهای بیهوده و بعضاً از روی تفنن و چه مصرف مصالح نابجا و چه احداث ساختمان بدون توجه به عملکرد و کاربری بهینه آن و یا عدم

توجه به مکان و زمان احداث بنا. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

الف) معماری مردم پسند

معماری باید مقیاس انسانی داشته باشد. یک معمار هیچ وقت نمی‌آید یک سالن سینما بسازد و اسم آن را اتاق خواب بگذارد. مقیاس اتاق خواب همچنین وقتی وارد راهروی می‌شویم که فقط یک در دارد، ابتدای ورودش بسته است. جایی که دیوارش ضخیم نباشد در آن طاقچه می‌سازند. اندازه‌ها مشخص و بر اساس منطق است، نه هوس و کسی نمی‌تواند آن را تغییر دهد. مثال‌های بسیاری برای مردم‌وار کردن بنا و در نهایت اسلامی کردن آن‌ها می‌توان زد که از آن جمله، کاربرد اعداد قدسی در بناهاست؛ چرا که این اعداد ارتباط مستقیم با اعتقادات مردم داشته و مورد علاقه مردم هستند. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

رعایت آن نیز اثر معماری را مردم پسند می‌کند. اصل مردم‌واری یعنی رعایت خواسته‌های مردم، چه عاطفی، چه مذهبی و چه اقتصادی؛ اینها جزء نیازهای اولیه مردم است، چه در باغ سازی، چه در ساختن مساجد و مدارس و چه در خانه و یا در هر بنایی دیگر. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

ب) خودکفایی

معماران گذشته به موضوع خودکفایی بسیار اهمیت می‌دادند و اصطلاح خود بسندگی را انتخاب می‌کردند؛ مثلاً یک معمار اهل کاشان یا یزد هیچ‌گاه راضی نمی‌شد که سیمان از یک شهر دیگر بیاید و او شروع به کار کند. البته اگر چیزی لازم بود از آن سر دنیا هم

می آورد، ولی اگر می توانست از اطراف خودش تهیه کند، اولی تر بود و در این مورد آن قدر وسواس داشت که حتی سنگ آهک را از نزدیک ترین کوهی که دم دستش بود، تهیه می کرد. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

البته تا زمان کریم خان چنین می کردند. به عنوان نمونه می بینیم در مسجد فهرج یزد که به سال ۴۵ یا ۴۶ هـ ق ساخته شده و از قدیمی ترین مساجد دنیاست که تا کنون بر جای مانده، همه چیزش را از همان محل تهیه کرده اند. اگر گاه نبود که گاه گل برای نماسازی بسازند و یا برای اندود کردن از خارشتری استفاده می کردند. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

برای اشاعه خودبسندگی یا خود کفایی اصطلاح «بوم آورد» دارند؛ بوم آورد یعنی چیزی که از خود آن سرزمین حاصل شود که این خود یک درسی است. یک اصطلاح دیگر (ایدری) هم دارند؛ یعنی متعلق به همین جا، اینجایی. حتی کسی که می خواست خانه بسازد تا آنجایی که گل رس داشت، خاکش را بر می داشت با همان خاک خشت می زد. اگر گل و گچ و آهک می خواستند از نزدیک ترین محل ممکن تهیه می کردند. نمای ساختمان از گاه گل «ارزه» بود؛ یعنی ریگ روان. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

ج) معماری پرهیز از اسراف

خداوند مسرفین را دوست ندارد. پس در معماری اسلامی بایستی از انجام هرگونه کار بیهوده و یا اسراف در ساختمان احتراز نمود. بنابر این لازم بود ابعاد را مطابق نیاز انتخاب کنند. اینکه تزئینات در هنر اسلامی برای چیست، باید گفت که هر عامل تزئینی در معماری اسلامی صرفاً یک عامل تزئینی نیست، بلکه یک علت مهم فنی داشته است؛ مثلاً کاشی، عایق رطوبت و حرارت است و یا اینکه در روی این کاشی نقش انداخته اند هم برای این

بوده که بتوان آن را تعمیر کرد. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲) بنابراین گنبد را با کمال راحتی از پشت می‌ساخته و بالا می‌رفته و از زیر به طرز قشنگی کار می‌کردند. از حسن دیگر دو پوش این است جلوی حرارت تابستان و سرمای زمستان را می‌گرفته است. طرح‌های پوشش زیر را به صورت‌های مختلف در می‌آوردند که خودش زیباترین اثرهاست. درکاربندی‌ها ممکن است فکر شود کاربرد یزدی را برای اینکه ساختمان زیبا باشد ساخته‌اند، ولی علت واقعی این بوده که برای معمار یزدی و یا کاشانی امکان نداشته سقف را قاب‌بندی کند. البته اگر امکان داشت، می‌کرد که شاید قشنگ‌تر هم بود. در هر حال برای رعایت این اصل می‌بایستی از هر گونه تزئینات اضافی و یا کاربرد مصالح گران و اضافی و یا ساختن فضاهای بیهوده و بدون نیاز پرهیز نمود. بدین ترتیب است که یک اثر معماری به اسلامی بودن خود نزدیک می‌شود. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

عبادت، احترام

در شریعت اسلام هر کسی بدون واسطه انسانی می‌تواند عبادت کند. لذا در معماری اسلامی چنین به نظر می‌رسد همه ساختمان‌هایی که به واسطه نیازهای مختلف بشری ساخته می‌شود، باید فضای ساده و بی‌پیرایه و پاک همچون مسجد باشند؛ یک شهر یعنی یک مسجد که خصوصیات عمومی یک مسجد را یک شهر با همه اماکن آن باید داشته باشند تا یک شهر اسلامی به وجود آید. در همه شهر می‌باید نمادهایی از یک شهر اسلامی به صورت شفاف و برجسته نمود پیدا کند تا هر شهروندی خود را در یک شهر اسلامی احساس کند؛ به ویژه اینکه در همه جا چه در مسجد و بازار و منزل می‌توان عبادت کرد. هر چند مسجد فضای بیشتری برای عبادت دارد، ولی منزل و مسجد عین هم هستند؛ در مسجد بدون کفش

را می‌روند، در منزل هم، در مسجد معامله نمی‌کنند، در منزل هم، در مسجد به چشم نامحرم به هم نگاه نمی‌کنند، در منزل هم. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

مکان بست به علت مکان مکث که یک طرف به فضایی روحانی و یک طرف به شهر اتصال دارد، حالت محیط برزخ را دارد و این بدان معناست که هر چه آلودگی زندگی است در این نقطه (بس + است). بست‌ها در قدیم مکانی برای اعتراض بوده است. اگر ظلمی به مظلومی می‌رسید و این مظلوم راه به جایی نداشت، در این محل اصطلاحاً بست می‌نشست تا به وضعیت رسیدگی کنند و دادخواهی شود و تا زمانی که این دادخواهی به عمل نمی‌آمد، کسی متعرض آن ستم‌دیده نمی‌شد. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

یکی دیگر از مواردی که در معماری اسلامی در راستای عبادت و احترام است، اینکه مجموعه اماکنی که بنا می‌گردند برای ماندگاری و حفظ از تعرض، آن را وقف می‌کردند. نفس وقف، خود برقراری یک نوع مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از بناهاست؛ به طوری که برای بسیاری از این اماکن به علت استمرار ارائه خدمات، یک حالت قدسی و احترام را به وجود آورده است. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

سازندگان این بناها سعی نموده‌اند اگر مجموعه‌ای می‌سازند از هر لحاظ کامل بوده و نیازهای مختلف را برآورده کند؛ مثلاً مصالای هرات نه تنها محل نماز بوده، بلکه در آن اماکنی نظیر مدرسه، مسجد، خانقاه، دارالحفاظ و دارالشفاء ساخته شده و حتی ابنیه اقتصادی دیگری نیز بنا نموده‌اند و برای حفظ این بناها و تأمین هزینه‌های بهره‌برداری و تعمیرات آن، مستحدثات را وقف این اماکن نموده‌اند. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران،

این نکته آنچنان حائز اهمیت است که اگر به مجموعه بنای میدان نقش جهان اصفهان و ابنیه اطراف آن، مثل مسجد امام و شیخ لطف‌الله و عالی قاپور توجه شود، دیده می‌شود که چگونه این تغییر محورهای میدان، کاخ و مسجد، در طراحی پلان بناها تاثیر جدی و مستقیمی در طراحی بنا داشته است؛ به گونه‌ای که اگر این الزام نبود، قطعاً این مجموعه به شکل دیگری طراحی می‌گردید. (کندوکاوی پیرامون معماری مساجد ایران، ۱۳۹۲)

ذکر

در بناهای اسلامی سعی شده به طور مداوم ذکر خدا باشد یا اینکه به نحوی ذکر خدا را به مردم یادآوری نماید. لذا از کتابت اسما و صفات الهی سود جستند. این ذکرها بیشتر با انتخاب آگاهانه و از روی متون قرآنی و همچنین ادعیه و اوراد منقول صورت گرفته که بیشتر در بیان توحید و نبوت و در بناهای منتسب به شیعیان، بیشتر در مورد ولایت است. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

ذکر متون قرآنی و سماء الهی در وسط یا در بلندترین و بهترین نقطه منظر بنا شده و نوعاً در چکاد ایوانها و طاقها کلمه الله بالای گنبدها کتابت شده و آنچنان در این موارد پیش رفته اند که رسم الخط کوفی بنایی را که حروف آن بدون دور بوده و با ابعاد آجر نیز همخوانی دارد برای این منظور ابداع کرده‌اند و با ترکیب و کتابت به اشکال مختلف، نقوش هندسی زیبایی را در سطوح بنا و حتی در مرکز مقرنس و شمشه‌ها کار نموده‌اند. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

اصولاً اکثر معماران مسلمان، خود فقیه بوده و حتی به آنان مولانا خطاب می‌نمودند. نمونه بارز آن شیخ بهایی و مولانا قوام الدین شیرازی است و این دانش فقاہت به آنان اجازه می‌داد که مناسب‌ترین آیات قرآنی و یا فراهایی از این ادعیه را انتخاب کنند. قبل از اسلام،

متولیان دین زردشت با آتش روشن کردن در مناره‌ها (مناره محل نار بوده) همچنین مسیحیان با نواختن زنگ، مؤمنین را به عبادت دعوت می‌کردند؛ ولی مسلمانان با ساختن گلدسته و مأذنه و اقامه اذان در آن‌ها همان کار را نموده‌اند؛ یعنی با کلمات، مسلمانان را دعوت به نماز کردند، نه با آتش و زنگ. گلدسته برای بیان ذکر خدا در بلندترین نقطه بنا شد و در عین حال استفاده‌هایی چون نیارش نیز از آن‌ها کرده‌اند. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

تأثیر هنر و زیباسازی در طراحی مساجد

مسجد، محل تجلی مجموعه‌ای از هنرهای است که مصداق مسلم هنر شهودی است. در مساجد نه تنها دین با هنر ملاقات می‌کند بلکه مهمترین نمود هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگی‌های بارز آن است. بنابراین مسجد در بردارنده رسالت دینی و اجتماعی است و در واقع همچون آیینه‌ای است که شرایط اجتماعی عصر خود را منعکس می‌کند. معماری مسجد به گونه‌ای مسیر تحولات و تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی جوامع مسلمان را نشان می‌دهد، و نمایانگر عمق برداشت‌های فرهیختگان و سازندگان هر زمان از جوهره ذهنیت و ایمان جامعه مسلمان معاصر آن است. از این حیث بنای مسجد می‌تواند جایگاه و درجه تمدن و همچنین میزان و ماهیت جهان بینی مسلمانان هر عصر را پیش چشم قرار دهد. معماری مسجد افزون بر اینها بر ارکان معرفتی دیانت اسلام تکیه دارد و به پشتوانه همین معرفت است که معماری بنای مسجد به ابعاد و درجات ذهنی جامعه زمان خود درک و بر آن احاطه پیدا می‌کند و درمی‌یابد که آنچه در بدو امر معماری مسجد را توصیه می‌کند، اصالت موضوع و منطق وجودی آن است و نه صرفاً زیبایی آن.

عوامل مؤثر در زیبا سازی مسجد رنگ، نور و آب سه عنصر زیبایی‌شناسی معماری اسلامی

• نور: جلوه حضورش در معماری اسلامی به ویژه در مسجد تجلی نور خدا است در کاستن از صعوبت و سختی و سردی سنگ و بنا. تجلی متافیزیکی نور بر فیزیک بنا، آن را اصلی‌ترین محور زیبا شناسی معماری اسلامی در عرفان و معنا قرار داده است. (مسجد و کارکردهای آن، ۱۳۹۳)

• رنگ: تأثیر رنگ در معماری اسلامی، انکار ناشدنی است و از اهمیت و گستردگی معنایی زیادی برخوردار است و یکی از عوامل و مولفه‌های مهم در فضا سازی معنوی و روحانی مسجد می‌باشد. استفاده از رنگ‌های سبز، فیروزه‌ای و آبی در معماری اسلامی بسیار معمول و فراگیر می‌باشد. کاربرد رنگ آبی لاجوردی و آبی فیروزه‌ای از عمده‌ترین رنگ‌های زمینه‌ای دیوارها، کاشی‌ها، محراب و گنبد و صحن و شبستان و ... مساجد است. هر رنگ دارای تمثیلی است خاص خودش و نیز هر رنگ، دارای رابطه‌ای با یکی از احوالات درونی انسان و روح است. رنگ که از تکثیر نور حاصل می‌شود، نمایانگر کثرتی است که ارتباطی ذاتی با وحدت دارد. به تعبیر هنر اسلامی رنگ سفید نماد وجود مطلق و رنگ سیاه که پوشش خانه کعبه است، نماد اصلی متعالی و فراوجودی است که خانه کعبه با آن ارتباط دارد. رنگ آبی لاجوردی و آبی فیروزه‌ای نیز رنگ اختصاصی ساعات بامدادی است، طیفی از رنگ‌های آبی و سبز نزدیک به هم، رنگ تداعی‌گر آسمان، بیکران و بی‌نهایت، قدرت و وسعت است و سبز که رنگ رویش و صلح و آرامش و برکت است. (مسجد و کارکردهای آن، ۱۳۹۳) آب در فلسفه اسلامی بن هستی محسوب می‌شود. در عین حال عامل تطهیر هست و این صفت ذاتی که بر اشیای پلید مهر پاکی و تطهیر می‌زند چندان با حقیقت بنا در معماری اسلامی ارتباط دارد که حضورش در متن معماری اسلامی بنا را نیز مطهر کرده و صفت تطهیر می‌دهد. حضور جدی آب در معماری اسلامی به ویژه در مسجد، نه تنها آن را عاملی فیزیکی برای تطهیر عابدی قرار می‌دهد که برای عبادات خود به این تطهیر نیاز

دارد بلکه به بنا نیز صفت تطهیر عطا می‌کند. آب که نمادی است از پاکی و پالایش روحی در محیط مسجد و در ترکیب نور، نمادی است از حاصل خیزی و رشد. امتزاج آب و نور، زیبایی و برکت را هم زمان به محیط مسجد می‌آورد. معماری اسلامی با آب برخوردی کاشفانه دارد. (مسجد و کارکردهای آن، ۱۳۹۳)

بهره‌گیری از عناصر و فرم‌های نمادین در زیبا سازی مساجد

• گنبد و منار: دو نماد اصلی در معماری خارجی مسجد مهمترین نماد کالبدی مسجد از دور دو عنصر است، پوسته‌ای که آسمان را خمیه زده و به درون برده است و سر در درون دارد و در نقطه مقابل آن دستی از زمینی که بر آسمان برآمده و به گل نشسته است. گلدسته: گنبد رو به فضای درون و منار سر بر آسمان بیرون تمثیلی از دو سیر انسان، سیر در آفاق و سیر در انفس، و تمثیلی از فضایی مناسب برای خودسازی و خودآگاهی «شبستان» و فضایی مناسب پیام رسانی و جامعه سازی (منار) تعهد در مقابل از قوه به فعل در آوردن استعدادهای فطری فرد و مسئولیت در مقابل امت. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

• صحن (حیاط): یکی از ویژگی‌های بارز معماری مساجد حیاط است، حیاط نخستین فضایی است که نمازگزار در هنگام ورود به مسجد به منظور وضو گرفتن و ورود به شبستان در آن قرار می‌گیرد. صحن مسجد به عنوان فضایی با معنا و هویت دهنده بر مسجد، از ویژگی‌های معنوی و ابعاد عملکردی مهمی برخوردار است که در تفسیر فضای مسجد و شکل دادن به ساختار نظام فضایی آن مهمترین نقش را ایفا می‌کند. اهمیت این عنصر به حدی است که در الگوی اولیه خود نه به عنوان جزئی از مسجد بلکه به عنوان کل آن مطرح است. زیرا هنگامی که وارد مسجد می‌شویم، در واقع می‌خواهیم از مظاهر زندگی در سطح

مطلوب آن و از تمام وابستگی‌های روزمره جدا شویم. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

• آب نما یا حوض: عنصر حوض در مساجد برای ایجاد وحدت و هماهنگی معنایی و ماورائی بین محیط درون و دل انسان و فضای معنوی حاکم بر مسجد است. اگر چه در ظاهر باید عمل تطهیر و پاکی درون فرد با گرفتن وضو مهیا گردد اما شرط پاک درونی با طهارت و پاکی ظاهری انسان فراهم می‌گردد. به هر حال بهتر است هنگامی که وارد حیاط مسجد می‌شویم علاوه بر همه عناصر معماری اطراف آن در وسط و نقطه عطف یک حوض یا آب نما وجود داشته باشد چرا که در قرآن مجید و احادیث شریفه مضامینی هست که از آب و وضو تلقی بسیار بالاتر از انجام صرف یک عمل فیزیکی دارد آنجا که از صورت عمل به سیرت آن و از وجه ملکی و شهادت به سکوت و غیب آن می‌پردازد. در بسیاری از آیات قرآن مجید همواره بهشت را با نه‌هایی که در زیر درختانش جاری است و یا چشمه‌های زلال جوشانی که در آن قرار دارد توصیف می‌کند. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

• شبستان: شبستان اصلی‌ترین فضای تجمع، انسجام و تمرکز مسجد محسوب می‌گردد و در واقع نقطه گرانگه و اصلی تجمعات عبادی می‌باشد. در شبستان بسیاری از حرکات و برنامه‌های وحدت‌آفرین در آن شکل می‌گیرد و در واقع قلب تپنده و حرکت‌های وحدت‌زا و توحیدی به شمار می‌رود. نکته قابل توجه این است که هندسه اصلی هسته‌های فضایی در همکف شبستان مساجد، همچون کعبه و مسجد النبی مربع است. زیرا از بین بی‌نهایت اشکال منظم و نامنظم هندسی مربع مناسب‌ترین شکلی است که انسان را از نظر فیزیکی آرام و متعادل نگه می‌دارد. از این رو جا دارد که تا آنجا که ممکن است در ورودی به شبستان مسجد در سمت مقابل قبله باشد و نه در سمت قبله تا آنان که به مسجد وارد

می‌شوند از روبروی نمازگزاران عبور نکنند، چرا که سبب پریشانی فکر و خاطر نمازگزار می‌شوند. در رابطه با اعجاز نور و نورپردازی و تأثیر آن در روح و روان انسان ویژگی‌ها و مکانیسم علمی تأمین نور فضای داخلی (شبستان) مسجد این نکات حائز اهمیت است، که نور مورد نیاز می‌بایست از دو منبع تأمین گردد. منبع اول که برای روشن کردن کلی شبستان می‌بایست در نظر گرفته شود، به واسطه ایجاد بریدگی بزرگ بر روی دیوار شبستان صورت می‌گیرد. و برای روشن کردن محراب استفاده می‌شود. منبع دوم که نور اصلی شبستان است نوری است که توسط تابش مستقیم نور خورشید از پنجره‌ها به درون شبستان صورت می‌گیرد. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) محراب : محراب در لغت به معنی محل حرب و جنگ است. جنگ بین انسان و هوای نفس. محوری ترین بخش معماری مسجد ، محراب است. محراب در واقع نقطه ارتباط معنوی بین عبد و معبود و نقطه وحدت و ارتباط بین عالم ظاهر با عالم معنا و اتصال این جهان مادی به جهان ماورایی است. محراب نقطه پرواز و عروج و نقطه اتصال زمین و آسمان از بعد معنوی می باشد. محراب نمایانگر قلب مسجد و موقعیت دیوار سمت قبله است. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲) برای زیبایی معنادار مساجد باید به وحدت مؤلفه‌ها ، اجزاء و عناصر مسجد توجه شود . عناصر رنگ، نور و آب در زیباسازی مساجد سهیم اند ولی این عناصر باید در اجزاء و مؤلفه‌های موجود در ساخت مساجد استفاده شوند. در کنار این موارد نوشتن آیات قرآنی با خط خوش می تواند زیبایی معنوی خاصی به بنا بدهد. پس استفاده از هنر اسلامی که هنری حکیمانه و حقیقت جوست می‌تواند جامعه را به سمت معنویت و حقیقت سوق دهد، اما ویژگی‌های روحی و شرایط اجتماعی یک جامعه به صورت مختلف در رفتارهای فردی و اجتماعی آن جامعه اثر می‌گذارد و هنر و معماری آن جامعه نیز به نوعی آن ویژگی‌ها را انعکاس می دهد. در نهایت این نکته حائز اهمیت است

که حکیمانه شدن هنر و معماری یک جامعه نشان دهنده گام برداشتن جامعه به سمت معنویت و حقیقت است. (معماری مساجد اسلامی از مفهوم تا کالبد، ۱۳۹۲)

مروری بر احکام مساجد در حوزه معماری

مسجد پایگاه پیوند انسان و الله و مرکز ارتباط انسانهای مؤمن است. مساجد، خانه‌های خدا و خلق خداست که در کویر ظلم و ظلمت سرپناه بشریت مظلوم در برابر طوفان جهل و جور و آزمندی محسوب می‌شود. انسان‌های دور مانده از وطن اصلی در غربت زندگی، ساینی با صفاتر و خانه‌ای زیباتر از مساجد پیدا نمی‌کنند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

مساجد، جایگاه عبادت است و عبادت حرکت قرب‌جویانه انسان به سوی آستان قدس ربوبی. ساختن مسجد، تعمیر و نگهداری آن، حضور در مساجد، مدیریت و امامت و مسائل مالی و بهداشت و نظافت مساجد، همه باید متناسب با اهداف الهی و براساس رهنمودهای قرآن و اهل بیت علیهم السلام باشد، تا این شبکه گسترده و سراسری ارتباط زمین و آسمان و نقطه‌های پیوند مؤمنان جامعه را به سوی اهداف عالی الهی پیش برد و نقش مسجد با انتظار اسلام از آن هماهنگ شود. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

فقه‌های بزرگوار اسلام از صدر تاریخ امامت در کشف و بیان قوانین الهی در رابطه با ابعاد گوناگون زندگی از جمله مسائل مسجد، تلاش فراوان کرده و با تکیه بر منابع دینی وظیفه امت را روشن ساخته. شناخت وظیفه مؤمنان نسبت به مسائل گوناگون مساجد یکی از حوزه‌های اجتهاد و پژوهش علمی فقه‌های بزرگوار بوده که در این زمینه به صدها مساله فقهی پاسخ گفته‌اند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

-ساختن مسجد، از مستحبات مؤکد است و پاداشی بزرگ و ثوابی بسیار دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من بنی مسجدا فی الدنيا اعطاه الله بكل شبر منه - او قال بكل ذراع منه - مسیره اربعین الف عام مدینه من ذهب و فضة و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ...» «هر که در دنیا مسجدی بسازد، خداوند در برابر هر وجب - یا فرمود: هر ذراع - به مقداری که چهل هزار سال پیموده می شود، شهری از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ به او عطا می کند...»

- اگر زمینی را به قصد قربت (قربة الی الله) به نیت مسجد بودن بسازند و حداقل یک نفر به اذن بانی در آن نماز بخواند، مسجد می شود و باید احکام مسجد نسبت به آن مراعات شود. ولی مشهور بین فقها آن است که باید صیغه وقف بخواند، یعنی بگوید: «وقفتم مسجدی قربة الی الله» یعنی این زمین یا ساختمان را برای رضای خداوند وقف کردم برای آنکه مسجد باشد.

- مساجد تمام گروه های مسلمان، اعم از شیعه و غیر آن در احکامی که برای مسجد گفته می شود فرقی ندارد.

- جایز است، پشت بام ساختمان یا طبقه فوقانی آن را مسجد قرار داد، بنابراین می توان بالای مغازه یا منزل را مسجد ساخت، یا در یک ساختمان چند طبقه (بجاست در ساختمانهای چند طبقه که از مسجد دور است یک طبقه یا یک سالن آن را مسجد قرار دهند تا ساکنان آن از ثواب نماز در مسجد محروم نباشند.)، یک طبقه آن را مسجد قرار داد.

مسجد در عصر مدرنیته

در عصر مدرنیته نه تنها نباید از کارکردهای مسجد کاسته شود بلکه بر اساس آن باید بر مؤثرتر شدن کارکردها تأکیدی همه‌جانبه داشت. در این عصر برخورداری از دانش و آگاهی‌ها بیشتر می‌شود که ثمره آن ایمانی قوی‌تر است. بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسجد به عنوان مرکزی برای انجام فعالیت‌های مختلف اعم از عبادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره دارای نقش کاملاً مؤثری در پیشبرد اهداف دین مبین اسلام بوده است. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

اگرچه مسجد در نقش اول خود مکانی برای پرستش معبود یگانه و برپایی نماز جماعت به عنوان اولی‌ترین نوع عبادت در نظر گرفته می‌شود ولی این نقش در واقع چون تنه‌ای است که با رویش خود منجر به جوانه زدن شاخه‌های متعددی شده که از هر کدام میوه‌های مختلفی برای جامعه اسلامی به ارمغان آورده می‌شود. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

با توجه به تأیید این موضوع توسط متخصصان جامعه‌شناسی که جامعه ما در حال گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن است. سؤال آن است که در این دوران گذر و نیز در دوره تثبیت مدرنیته، کارکردهای مساجد چه خواهند بود؟ بدون شک اگرچه پاسخ‌گویی به این سؤال بسیار مشکل است و این خطر نیز وجود دارد که در صورت عدم صحت پاسخ از کارکرد مطلوب مساجد کاسته شود اما باید توجه داشت عدم پاسخ‌گویی، خطری بزرگ‌تر در پی دارد چرا که در طی گذر زمان می‌تواند جامعه اسلامی را از کانونی که در تمام طول تاریخ اسلام به صورت دژ مستحکم از آیان دین اسلام و جامعه شکل گرفته بر مبنای آن حفاظت کرده است، محروم کند. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲) ساده‌ترین راهی که برای جواب قابل استفاده بوده و محققان زیادی نیز به آن توجه داشته‌اند، آن است که جوامع مدرن شده در عصر حاضر را مورد بررسی قرار داده

زیرا پرستش معبود در انسان‌ها امری فطری است و در تمام جوامع معبودی برای پرستش وجود دارند. هرچند معمولاً به دلیل وجود انسان‌های منفعت‌طلب در بیشتر موارد معبودانی دروغین که قادر به سرازیر کردن سرمایه‌های به سمت این‌گونه انسان‌ها بوده‌اند، جایگزین خدای متعال شده‌اند ولی این موضوع هیچ‌گاه منجر به خاموشی امر فطری عبادت معبود نشده است. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

در تفکر دینی، مدرنیته نوعی تحول است که طی آن انسان با استفاده از ابزارهای مدرنی که قادر به گشودن راه‌های جدید برای شناخت خود هستند به تفکر خود عمقی ژرف‌تر داده و با بهره‌گیری از آگاهی‌های افزوده شده نه تنها از ایمان او کاسته نمی‌شود بلکه بر اعتقاد او به وجود خالق هستی افزوده می‌شود. (مجموعه مقالات مشترک در حکمت و هنر معماری اسلامی، ۱۳۹۲)

نگاهی جدید به مساجد محله

ابتدا باید به این موضوع توجه کنیم که ما بهترین نمونه‌های معماری مسجد را در کشور خودمان از هزار تا ۱۵۰ سال پیش داشته‌ایم؛ مساجدی که به راستی نمونه‌های درخشان معماری زمان خود هستند. ما هنوز هم از معماری این مساجد لذت می‌بریم و هنوز هم چیزهایی برای آموزش به ما دارند. مساجد امروزی ما اصلاً قابل مقایسه با نمونه‌های تاریخی خود نیستند. به این دلیل که ما نتوانسته‌ایم آن معنویت فضا را که عنصر اصلی معماری مسجد یا هر معبد دینی دیگر است، در مساجد امروزی‌مان ایجاد کنیم. در مساجد سنتی نوعی القای حس معنویت و توجه دادن به ماوراء وجود دارد. ما این کیفیت را در مساجد قدیمی‌مان در بالاترین حد خود داشته‌ایم؛ پس می‌توانیم با استفاده از مصالح جدید و تکنیک‌ها و فناوری‌های جدید ساخت، آن را بازتولید کنیم، بدون این که درگیر

کهن‌الگوهای ساختمانی دوران قدیم باشیم. (بررسی نقش مسجد محله در توسعه و کنترل نظام پایدار محله و شهر از دیدگاه اسلام، ۱۳۸۳)

برخی از تکنیک‌ها و فرم‌ها نتیجه تکنولوژی ساخت و مصالح ساختمانی زمان خودشان بوده‌اند؛ برای مثال در هزار سال پیش برای پوشش یک دهانه بزرگ، به‌نحوی که بخش زیرین آن محل تجمع عده‌ای زیاد باشد و نیازی هم به ستون نداشته باشد، هیچ راهی به‌جز استفاده از فرم گنبد نداشته‌ایم. طبیعتاً در معماری جدید که اسکلت فلزی و بتنی داریم و احتیاجی به آن فرم‌ها نداریم، اگر از قوس و گنبد به شکل نمایشی و بدون این‌که ارتباطی با کالبد کاربردی فضا داشته باشد استفاده کنیم، این فرم دیگر یک فرم دکوراتیو خواهد بود و اصالت نخواهد داشت. همچنین در مساجد قدیم مصالحی مثل کاشی استفاده شده که دیدن آن‌ها در ساختمان مساجد در ذهن ما حک شده است؛ ولی واقعیت این است که کاشی هم یکی از مصالح قدیمی و زاینده شرایط تکنولوژی زمان خود بوده است. پس استفاده مصنوعی از برخی مصالح و فرم‌ها، دیگر کاربرد قبلی خود را ندارد و هیچ لزومی ندارد که ما امروز یک قوس را با رابیت درست کنیم یا گنبد دکوراتیو بسازیم و به‌زور کاشی به بنییمان بچسبانیم. وی با اشاره به کاربرد دکوراتیو المان‌های سنتی در ساخت مساجد جدید، اظهار داشت: به همین دلیل است که مساجد جدید به دل نمی‌نشینند و با دیگر اجزا هماهنگی کالبدی ندارد. (بررسی نقش مسجد محله در توسعه و کنترل نظام پایدار محله و شهر از دیدگاه اسلام، ۱۳۸۳)

بهداشت جسمی و روانی در معماری مسجد و محله

از دیدگاه ادیان الهی، عبادت و اظهار بندگی و خضوع در برابر آفریدگار هستی اهمیت ویژه‌ای دارد و بر این اساس مکان عبادت جایگاه‌الایی دارد. در مکتب اسلام به مسجد

به عنوان بیت الله و مرکز عبادت توجه خاصی شده است. معماری مساجد نمودهایی از این توجه را به خوبی آشکار می سازد. معماری می تواند تسهیل کننده نیل به اهداف مقدس و انسان ساز مکان های عبادی باشد. چنان چه مسجد با استمداد از دیدگاه های اسلام طراحی و ساخته شود، دستیابی به سلامت جسمی و روانی مورد نظر مکتب اسلام نیز تسهیل خواهد شد. (مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده، ۱۳۷۶)

مستحبات مربوط به معماری

یکی از مستحبات مربوط به معماری مسجد این است که وضوخانه آن را در کنار در ورودی بسازند. امام موسی کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که حضرت فرمود: محل تطهیر را در کنار مسجد بسازید... فقها براساس این روایت، فتوا داده اند که وضوخانه باید در کنار مسجد قرار گیرد،... روشن است که وضوخانه باید در فضاهای جانبی، که عنوان مسجد ندارد، ساخته شود؛ زیرا اگر مکانی به عنوان مسجد وقف شود در آن نماز گزارده شود، آن مکان مسجد به شمار می آید و نجس کردن آن حرام است و نمی توان در آنجا یا زیرزمین آن وضوخانه ساخت». نامگذاری مسجد: از نکات مهم در مسجد سازی انتخاب نام آنست و به احتمال زیاد در جذب مردم به سمت خود موثر است. «طبق تحقیقات میدانی انجام گرفته، نام مسجد بر کاربری های آن از ابتدای ساخت تا فعالیت های پس از آن موثر است؛ مثلا مساجدی که به نام حضرت ابوالفضل علیه السلام نامیده شده، پشتیبانی مالی بهتری داشته است.

مسجد نماد وحدت و محوریت محله

بطور قطع و یقین می توان ادعان نمود که در میان معابد و مراکز عبادی ادیان الهی، مسجد تنها مکانی است که تمام عناصر و اجزاء آن وحدت آفرین بوده و نمادی از یگانگی،

انسجام و وحدت در آن نمود یافته است. مسجد هم به لحاظ شکلی و ظاهری که در قالب اجزاء و عناصر مختلف شکل یافته است و هم از نظر محتوایی و ماهوی دارای کارکردهای فعالی و اعمالی است که غایت آنها ایجاد وحدت و یگانگی است. در این مقال سعی بر آن است که در ابتدا اجزاء و عناصر وحدت آفرین مسجد در قالب شکلی آن و سپس مؤلفه های ماهوی و کارکردهای آن در ایجاد وحدت مورد کنکاش قرار گیرد. (مسجد و کارکردهای آن، ۱۳۹۳)

نتیجه گیری

در دین مبین اسلام محور و کانون تمامی فعالیتها به مسجد ختم می شود و هیچ فعالیت و فعلی را نمی توان پیدا کرد که در آمیختگی و ارتباط با دین باشد، ولی به مسجد ختم نشده یا مرتبط با مسجد نباشد، این امر مهم نشان از جایگاه و اهمیت محوری است که مسجد دارد. مسجد اولین پدیده جغرافیایی است که به محض فتح سرزمینهای کفر توسط سپاه اسلام به عنوان نماد یگانگی، توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی در سرزمینهای تصرف شده بنا شد. پیامبر اسلام(ص) نیز در هجرت به مدینه اولین مکانی را که برای استقرار آیین اسلام بنا کرد مسجد قبا بود؛ تا مردم در حول محور این مکان مقدس به کسب فضایل انسانی و آموزه های دینی بپردازند. (مسجد و کارکردهای آن، ۱۳۹۳) مسجد تنها مکانی بود که مسلمانان در آن دوشادوش هم یکرنگ و یکدل اجتماع می کردند و این اجتماع به مصداق "ید الله مع الجماعه" همواره منشاء خیر و برکات معنوی زیادی برای آنان بود. بر همین منوال در فضای کالبدی شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی "مساجد" همواره قلب تپنده و جوشان آن بوده اند، نه تنها همه شبکه راههای ظاهری و بلکه ارتباط درونی و قلبی اهالی آن نیز به مسجد ختم می شود. مسجد یادآور استمرار وحدت بین مسلمین است که این یادآوری در روز سه، یا پنج نوبت با ندای الله اکبر و حضور مسلمانان

در مسجد جهت اقامه نماز انجام می‌گیرد و دائماً به آنها لزوم حفظ این وحدت را گوشزد می‌کند. در هر منطقه جغرافیایی که مسجد حضوری فعال دارد، در آن نقطه شعاع نورانی وحدت در فضا آکنده شده و انتظار می‌رود اجتماعی آرام بدون تنش و اختلاف قابل مشاهده باشد. (مسجد و کارکردهای آن، ۱۳۹۳)





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی